

مدیریت شهری در ابهام

طراحی سیمای خیابان به‌جای مدیریت منظر خیابان

چهار دهه مدیریت، توجه صرف به توده آن، یعنی نمای ساختمان‌ها، هم‌جواری و سبک معماری است و خود خیابان به‌مثابه یک کل مغفول مانده است؛ امری که برآمده از نگاه مدرنیستی طرح جامع به شهر است. ساده‌ترین مثال این گفته، تقسیم خیابان به‌عنوان مرز فیزیکی مناطق است که دستخوش تصمیمات متفاوت مدیریت مناطق شده و کلیت خیابان نیز از این تنوع تصمیم متأثر می‌شود. مدیریت شهری که درصد یکپارچه‌سازی و هویت‌بخشی به توده‌های منقطع یک خیابان است، قوانین یا راهکارهایی را به مالکان ارائه کرده که «کمیته نما» از متأخرترین آنهاست. البته اقدامات این کمیته با توجه به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم منابع مالی و انسانی توانسته نتیجه رضایت‌بخشی داشته باشد. شهر سفید عشق آباد را می‌شود اوج هماهنگی سلیقه مدیریت شهری، قوانین و کمیته‌های محدودکننده دانست؛ مونومانالیسم، تکرار و تکر رنگی، مهم‌ترین ویژگی‌های منظر این شهر است که با وجود دنبال‌کردن هدف ارائه تصویر نوین از عشق‌آباد به‌عنوان نماینده ترکمنستان، به ناسازی وارداتی تنزل یافته است. خیابان نواب مثالی دیگر از این نگرش است که به‌لحاظ رعایت مقررات همسان‌سازی نما، نمونه‌ای کامل محسوب می‌شود اما مخاطب

ادراک ما از شهر که آن را منظر شهری می‌نامیم، برآمده از مؤلفه‌های متعددی است. از آنجاکه اقسام فضاهای شهر، بخش‌های متنوع خیابان را شکل می‌دهند، می‌توان ادعا کرد اساساً جوهر درک ما از شهر، براساس فهم خیابان استوار شده و به تبع آن، خیابان از مهم‌ترین مؤلفه‌های سازنده منظر شهری است. میراث باقی‌مانده از نهضت مدرنیسم (برگرفته از الگوی دکارتی) که شهر را موجودیتی مستقل از انسان می‌بیند و ردیای آن در طرح‌های جامع شهری ایران نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود، خیابان را مجموعه‌ای از توده و فضا می‌داند که به‌صورت مستقل از هم وجود دارند. در مقابل، دیسیپلین‌های جدید از جمله منظر که برگرفته از نگاه پدیدارشناسانه است، شهر را یک کل می‌پندارد که نحوه ارتباط نمادهای تولیدشده در آن، عامل ادراک شهروندان از شهر است. این در حالی است که اغلب تصمیم‌گیران، درک درستی از شهر به‌مثابه یک کل پدیدارشناسانه ندارند و آن را با استفاده از الگوی دکارتی طراحی اجزاء طراحی می‌کنند. بخش بزرگی از احساس عدم‌مطلوبیت فضاهای شهر تهران پس از انقلاب اسلامی، نتیجه تنزل وجه کیفی خیابان‌هاست که در افکار عمومی از آن، به «غتشناش بصری» یاد می‌شود. مشکل اصلی خیابان‌ها در طول

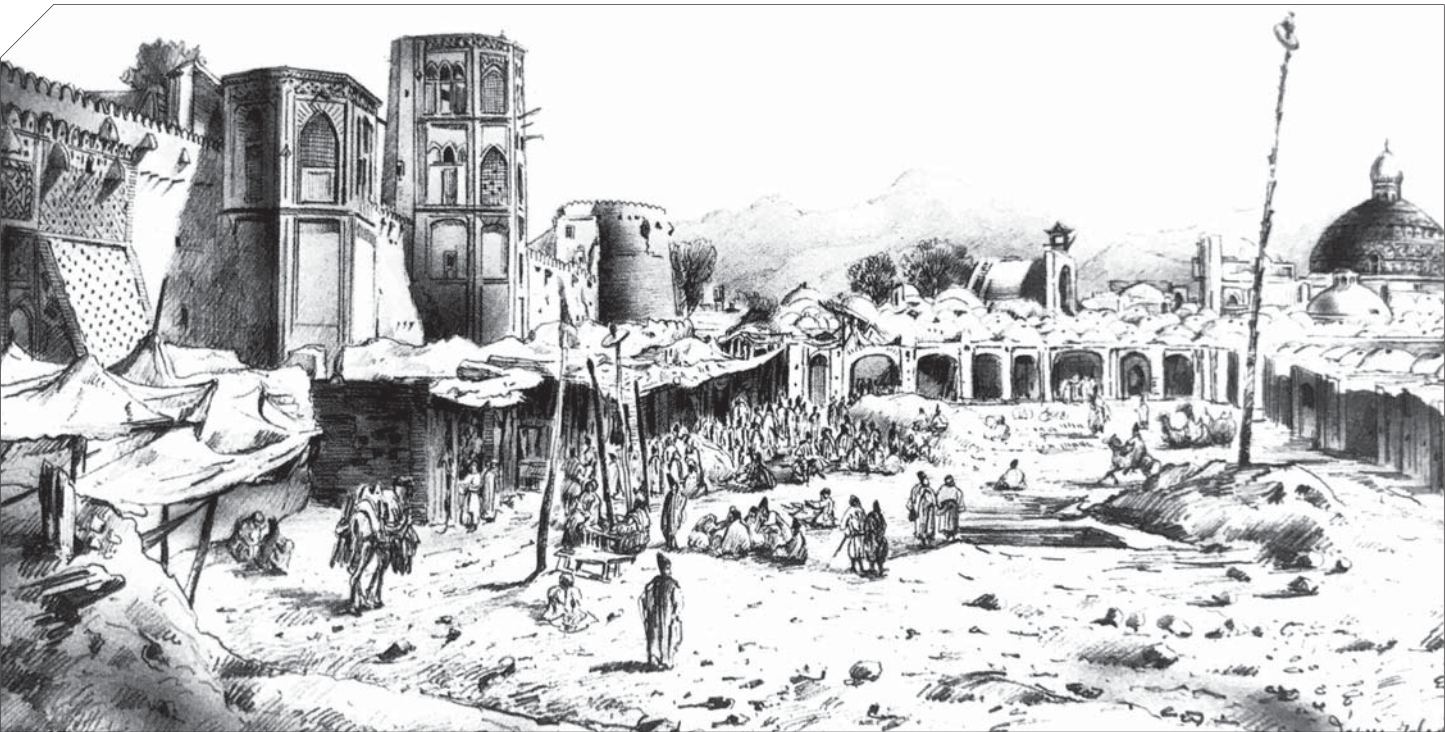


محمد آتشین‌بار

معمار منظر شهری

یادداشتی درباره هویت تاریخی سبزه‌میدان و تحولات آن

سبزه‌میدان؛ از سیاست تا تجارت



سبزه میدان و بخشی از حصار ارگ ترسیم‌شده در نقشه ژول لورنس، ۱۸۶۸ میلادی

عقب می‌کشاند. طرحی که امیرکبیر به حاجب‌الدوله دستور انجام آن را می‌دهد و بر اساس آن کارکرد این فضای شهری از نماد اعدام و سیاست به تجارت تغییر اساسی می‌یابد. شاید گزاره نباشد اگر بتوان ادعا کرد بن‌مایه تمامی تغییرات در دوران‌های بعد تا پیروزی انقلاب اسلامی همین تغییرات پیش‌گفته بوده است. اما پس از انقلاب و خصوصاً پس از جنگ ساخت بازار زیرزمینی در مدخل یکی از اصلی‌ترین راه‌ته‌های بازار بزرگ تهران یعنی راسته کفاش‌ها تیر خلاصی شد بر حیات و زندگی شهری در این فضای تاریخی. فضای شهری تاریخی‌ای که کمتر مستشرقی که به تهران آمده بود در توصیف آن قلم نرده بود یا نقشی ترسیم نکرده بود. وخامت مداخله به حدی بود که حتی بازیگریهای انجام‌شده پس از آن و در دهه اخیر نیز نتوانست توفیقی در بهبود شرایط و احیای ساختاری درخور این فضای شهری ایجاد کند. در حال حاضر گویی نقاشی معوجی است بیرون‌افتاده از آب در بی‌اعتنایی و دهن‌کجی به آن همه آرزومندی که امیرکبیر برای ایران آن روز و امروز داشت. سؤال اساسی درست همین‌جا مطرح است که پس از این همه مداخلات نامنتطیق و سعی و خطا و دلایل متعدد درخصوص ضرورت

بازسازی و احیای این فضای شهری تاریخی رویکرد مناسب کدام است و دامنه مداخلات براساس آن رویکرد مناسب تا کجا را شامل خواهد شد؟

نام دیگر سبزه‌میدان، میدان تخته‌پل بوده است. همان‌طورکه اشاره شد، سبزه‌میدان یا میدان تخته‌پل در خیابان جباخانه قرار داشته و این خیابان که از پرکردن خندق جنوبی ارگ و افزودن کوچه لب خندق بر آن در زمان ناصرالدین شاه پدید آمده بود، قبلاً با پلی چوبی به نام تخته‌پل که روی خندق بسته شده بود و سپس به‌وسيله دروازه سردر نقاره‌خانه با ارگ مربوط می‌شد و به همین علت هم خیابان و هم میدان جنب آن را خیابان تخته‌پل و میدان تخته‌پل می‌نامیدند. از وضع نخستین میدان تخته‌پل یا سبزه‌میدان، ژول لورنس فرانسوی در سال ۱۳۶۵ ه‍.ق. طرحی ترسیم کرده است که دکان‌های اطراف میدان و سایه‌بان‌های کرباسی و برج‌ها و حصار ارگ و… به‌خوبی در آن نمایان است و دیرک بلند قاپوق نیز در وسط میدان دیده می‌شود.

در سال ۱۲۶۸ه‍.ق. یعنی در چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه، حاج‌علی مقدم مراغه‌ای (حاجب‌الدوله) به دستور امیرکبیر،

در آن، نه‌تنها حس مطلوبیت ندارد بلکه ارزش‌های بصری آن را نیز زیر سؤال می‌برد. وجه مشترک هر دو نمونه، دستوری‌بودن نماسازی است؛ امری که در دوره هوسمان در پاریس نیز اتفاق افتاد و امروزه، با وجود تولید یک ارزش زیبایی‌شناسی در منظر شهر، مورد انتقاد صاحب‌نظران است. نهضت فسادیسیم (نماگرایی) هوسمان در پاریس اگرچه از جاذبه‌های شهر محسوب می‌شود، اما مთهم به برخورد موزه‌ای و ایزکتیو با خیابان است؛ ازاین‌رو باید توجه داشت که نما، به‌خودی‌خود، نمی‌تواند در شهر، نقش ادراکی ایفا کند و نهایتاً، در بهترین حالت، مانند یک اثر هنری تلقی شده و حائز ارزش‌های بصری خواهد شد. آنچه از مقوله نما، برای شهر و ادراک مخاطب اهمیت دارد، نحوه ارتباط و تعامل آن با سایر عناصر خیابان است؛ نه جسم آن. در نگاه کل‌نگر، شهر، یک سیستم و خیابان، زیرسیستم آن است که خود، متشکل از زیرسیستم‌های جزئ‌تر است. نمای خیابان، از جمله این زیرسیستم‌های جزء است. چنانچه هریک از این زیرسیستم‌های جزء مثل کف‌سازی، نورپردازی، طرح کاشت، مبلمان و…، نتوانند با نما و سایر ارتباط معنادار پیدا کند، مجموعه، دچار اشکال شده و به‌تاسف آن، سیستم کلی شهر، مختل می‌شود. اتفاقی که امروزه شاهد آن هستیم، طراحی

تغییرات عمده‌ای در وضع میدان می‌دهد و آنجا را به کلی از وضع نامطبوع و آلوده قبلی بیرون می‌آورد. در این زمان بناهای اطراف سبزه‌میدان در دو طبقه ساخته شد و در اختیار بلورفروروشان قرار گرفت. حوض آب بزرگی نیز در وسط میدان ساخته شد. آب قنات‌هایی که به ارگ می‌رسیدند، به این مکان می‌آمد سپس از همین محل آب دو قنات پرآب مهرگرد و شاه به محلات مختلف شهر تهران فرستاده می‌شد.

روندتغییرات سبزه‌میدان تا انقلاب اسلامی

با توجه به نقشه تهران که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تهیه شده است، می‌بینیم که سبزه‌میدان فضایی محصور بوده که از شمال توسط دروازه‌ای مجلل به ارگ سلطنتی راه داشته، در ضلع جنوبی آن دهانه اصلی بازار واقع بوده و دو دهانه دیگر در شرق و غرب داشته است که دهانه شرقی به بازار کنار خندق و دهانه غربی به بازارچه صندوقدار مربوط می‌شده است و همچنین این میدان بر سر راه دروازه قزوین در غرب و دروازه حضرت‌عبدالعظیم در جنوب تهران واقع بوده است.

در سال ۱۲۹۳ه‍.ق. در سبزه‌میدان تعمیراتی انجام گرفت و حجره‌هایی بر بالای مغازه‌ها افزودند. سبزه‌میدان در زمان ناصرالدین شاه، علاوه بر مرکزیت تجاری که یافته بود، هنوز مرکز تجمع اهالی تهران در مراسم‌های مختلف بود. از جمله ماه محرم و به‌خصوص روز روز عاشورا که دسته‌های محلات شهر در کوچه و بازار به حرکت درمی‌آمدند، همگی در سبزه‌میدان جمع می‌شدند و به عزاداری و سینه‌زنی می‌پرداختند. میدان، گنجایش جمعیت عظیمی را داشت و محل برگزاری تخریه‌های بزرگ بود. حتی زمانی که دولت در محوطه ارگ سلطنتی برنامه‌های سوگواری مردم در سبزه‌میدان پدید نیامد. همچنین سبزه‌میدان در طول تاریخ پیدایی خود، همواره به‌عنوان سنکر

و مرکز مردمی نقش بسزایی داشته است. در جریان مشروطیت و حوادث اولیه آن با سرکردگی عین‌الدوله صدراعظم مظفرالدین شاه، انقلابیون در این میدان سرکوب شدند و خون‌های زیادی در این مکان ریخته شد. با صدور فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه، شهر چراغانی شد و جشن و سرور در همه جا برپا شد. سبزه‌میدان مرکز نقل این سرور و شادمانی بود.

در دوره پهلوی اول همگام با رشد سریع شهر، حصار قاجاری شهر همراه با دروازه‌های آن منهدم شد و خیابان‌های جدید احداث شد. در همین زمان خیابان جبه‌خانه تعریض و به خیابان بوذرجمهری تغییر نام داد. راسته بازارهایی که منشعب از دهانه شرقی و غربی سبزه‌میدان می‌شدند (بازار صندوقدار و بازار کنار خندق) تخریب شدند. در این دوره تغییرات زیادی در فضای سبزه‌میدان پدید آمد که مهم‌ترین تغییرات عبارت‌اند از: ضلع شمالی سبزه‌میدان تخریب شد و بزرگ‌ترین ضربه به کالبد این میدان تاریخی وارد آمد و باعث شد که سبزه‌میدان، شکل محصور اولیه خود را از دست بدهد.

سقف دهانه بازار و بناهای اطراف آن به شیروانی و فضای

نماهای شهر به‌صورت مستقل و بدون درنظرداشتن نقش سیستمی آنهاست که از دو بعد قابل بررسی است: اول، فقدان سیاست‌گذاری مدیریت خیابان‌ها تهران در برنامه مدیریت شهری باعث شده نقش این مؤلفه که مجموعه کلان‌تر در راهبری نماست، مبهم باشد. گویی اصالت خیابان‌های شهر، تنها معطوف به نقش دستری آنهاست و ابعاد معنایی آن در اولویت‌های چندم قرار دارد. به عبارت دیگر سیاست مشخصی برای مدیریت خیابان‌های ساختاری تهران و خیابان‌های فرعی‌تر آن وجود ندارد؛ برای مثال، نمایی که در خیابان انقلاب طراحی می‌شود، با نمای یک خیابان تجاری فرعی در محله‌ای مسکونی تفاوت ندارد. تنها، ضوابط و مقررات شهرسازی و نظام مهندسی تعیین‌کننده است. دوم، ارتباط نمای طراحی‌شده با مجموعه پیرامونی خود، کمرنگ و حتی غایب است و هر پلاک، نتیجه سلیقه مستقل فردی است. اگرچه تنوع ناشی از سلايق، اصالتاً مطلوب به نظر می‌رسد، اما محدودندکردن آن نیز منشا اغتشاش بصری است که امروز با آن مواجهیم. به‌همین‌دلیل تأکید فرزانده مالکان و مدیریت شهری بر کیفیت طراحی و اجرای نما، همچنان نتوانسته مطلوبیت لازم را برای شهر به‌همراه داشته باشد.

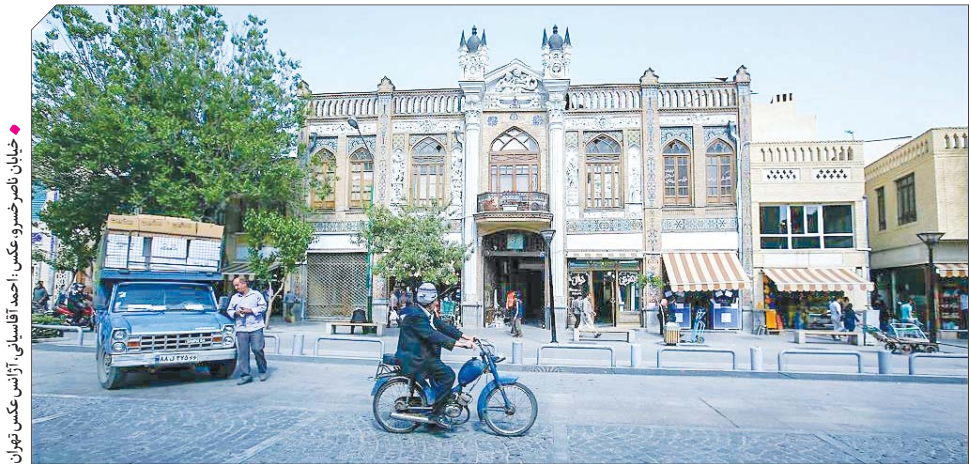
رواق‌های اطراف میدان به مغازه تبدیل شد و در نتیجه فضای میدان کوچک‌تر از سابق شد. علاوه بر اینها، حوض وسط میدان بر شد و به جای آن باغچه‌ای ساخته شد. در نقشه‌ای که از سبزه‌میدان توسط محمدحسین‌خان زنگنه فرزند محمدحسن‌خان زنگنه در سال ۱۲۷۷ه‍.ق. ترسیم شده، وضعیت میدان و دکان‌ها و مغازه‌ها و محل ورود و خروج و دهانه بازار و… به‌خوبی نمایان است. فضای سبزه‌میدان کاملاً متقارن بوده و دهانه‌های بازار در سه سوی جنوب، شرق و غرب روی محورهای تقارن طولی و عرضی میدان، در قالب ایوان‌هایی با ابعاد وسیع‌تر از دهانه‌های اطراف، شاخص است. این سه ایوان به عنوان پیش‌فضایی برای ورود به بازار اصلی، بازار کنار خندق و بازار صندوقدار به خوبی تعریف شده بود. وجود آبنمای وسط میدان عامل دیگری برای تأکید تقارن در میدان بود. دروازه تخته‌پل که در گوشه غربی ضلع شمالی میدان قرار داشته به دلیل شکوه و عظمتی که داشت و به صورت منفرّد در میدان ظاهر می‌شد، خبر از اتفاق مهمی می‌داد که در ورای میدان قرار داشت، یعنی وجود کاخ‌های سلطنتی. سبزه‌میدان با بار اجتماعی فراوانی که دارد فضایی است که جدا از ساختمان‌های اطرافش وجود دارد.

در وهله اول، فضای میدان است که مطرح می‌شود بعد کالبد آن. این فضای بی‌یادماندنی باید حفظ شود، زیرا تهران با از دست دادن این نقطه مهم تاریخی جایگاه مهمی را از دست می‌دهد، که نتیجه‌اش بی‌هویتی فرهنگی خواهد بود. به محض اینکه بدون اعتنا به بازار کهن و تاریخی تهران، بنایی در میانه میدان ساخته شد

این فضا منهدم شد و مدخل بازار بزرگ تهران و مرکز تاریخی، سنتی، سیاسی و فرهنگی شهر به مرگ تدریجی دچار گردید. در اینجاست که نیاز به دستورالعمل‌های جامع پیرامون طراحی این‌گونه ساختارهای جدید که ضمن حفظ ارزش‌های موجود و ارتباط با گذشته بیان‌کننده روح زمان خود باشند، نمود می‌یابد. در این راستا بیش و پیش از هر چیز، در نظر گرفتن اصول پذیرفته‌شده جهانی، در این مورد ضرورت خواهد داشت. مرمت یک بنا، نگهداری، تعمیر یا دوباره‌سازی آن نیست، بلکه دوباره برقرارکردن آن در یک وضعیت کامل است که هرگز در چنین زمانی نمی‌تواند وجود داشته باشد. اینجاست که مسئله اصالت و صحت تصمیم‌های مرمت‌کننده مطرح می‌شود. در ادامه و تداوم این اقدامات واژه پراهمیت حفاظت است که اساس و شاکله این گفتار است. همان استخوان‌بندی‌ای که به بخش قابل توجهی از توقعات اصول مصوب مشهورهای بین‌المللی درمورد مرمت شهری پاسخ داده و زیرساخت اقدام نهایی یعنی احیا و استقرار کارکرد مناسب را موجب خواهد شد. به‌طور خلاصه پیشنه‌ها، بازسازی برای این فضای تاریخی را می‌توان چنین عنوان کرد: مرمت براساس تقدم فرمی آخرین دوره تاریخی معتبر و دوخت و دوز مناسب این فضای شهری به شکلی پاسخ‌گو به محیط و زمینه اطراف آن و حذف همه الحاقات نامعتبر اخیر از چهره اصلی این میدان منحصر به فرد در تهران معاصر، تهرانی که باید زیست‌پذیر، الگووار و انسان‌محور باشد برای همه.

کشورهای مختلف وارد شد. پایداری اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ و نگهداری ابزارهای ضروری ایجاد ثروت و رفاه و مشارکت اجتماعی برای گسترش یکپارچگی و انسجام اجتماعی و انسجام مدنی اشاره می‌کند و به عنوان یک مفهوم، به‌دنبال حفظ و ثبات مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه در پیوند با ابعاد زیست‌محیطی و اقتصادی است. در فرایند توسعه پایدار، نقش پایداری اجتماعی در تحقق اهداف بسیار حائز اهمیت است. در سال ۲۰۱۴ تحقیقات دامهداری در دانشگاه بین‌المللی مالزی انجام و نتایج آن به‌صورت مقاله‌ای آکادمیک منتشر شد. این تحقیق به‌طور مستند نشان می‌داد که ارتباط مستقیمی میان توسعه میدان‌نگاه‌های پیاده شهری و ارتقای مؤلفه‌های پایداری اجتماعی وجود دارد.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که ما در زمینه توسعه فضاهای همگانی شهری هم در سطح مدیران شهری و کشوری و هم در سطح متخصصان به نگاهی تازه به این مقوله بسیار مهم نیاز داریم. این امر را نه‌تنها در طرح‌های توسعه شهرهای جدید بلکه باید حتی مهم‌تر از آن در ساماندهی مجدد فضاهای شهری موجود جست‌وجو کرد. ساماندهی فضاهای شهری موجود براساس ایجاد و توسعه فضاهای همگانی پیاده ممکن است در نگاه اول مشکل به نظر برسد زیرا ما با بافت‌های شهری شکل‌گرفته و تا حد زیادی تثبیت‌شده مواجه هستیم که دستکاری و دخل و تصرف در آن ساده نیست، بااین‌حال تجربیات متعدد جهانی و داخلی نشان می‌دهد این امر امکان‌پذیر است و در صورت داشتن یک برنامه مطالعاتی و طرح اجرایی همه‌جانبه‌نگر می‌توان حتی فضاهای میانی توده‌ها و احجام شهری شکل‌گرفته فعلی را به نحوی مورد بازنگری و اصلاح قرار داد که تا حد زیادی به استانداردهای یک فضای همگانی موفق و پویا تبدیل شود. این تحول قدم مهمی در بازگرداندن شهر به شهروندان محسوب می‌شود.



خیابان ناصر خسرو و عمارت احمد قاسمی، آراسی تهران



فرزاد رستمی فر

شهرساز

سبزه‌میدان یکی از قدیمی‌ترین میدان‌های تهران، در مرکز تاریخی شهر، در خیابان ۱۵ خرداد فعلی (جباخانه یا جبه‌خانه و در حد فاصل خیابان ناصرخسرو و خیام قرار دارد. این میدان در جنوب ارگ سلطنتی (مجموعه کاخ گلستان) و در ابتدای بازار بزرگ تهران واقع شده است. این نوشته نگاهی تحلیلی دارد به این میدان، هویت و سیر تحولات تاریخی آن به مثابه نخستین فضای شهری در تهران پس از پایتخت‌شدن آن.

به جرئت می‌توان سبزه‌میدان را نخستین فضای شهری در تهران پس از پایتختی برسمرد که براساس یک طرح شهری، بازآفرینی و ساماندهی شده است. اهمیت این موضوع بدان حد است که به تتهایی تاریخ کاریست این دانش مدرن را در تهران تا یک قرن به

تمدن، مدنیت و فضاهای همگانی مدنی



بابک شکوفی

معمار

تاریخ‌نگاران معتقدند تمدن انسانی براساس همکاری هماهنگ میان انسان‌ها پدید آمده و هرچقدر این نظام همکاری پیشرفته‌تر و تعداد افراد هماهنگ با هم بیشتر می‌شد، آن تمدن قدرت و شکوفایی بیشتری پیدا می‌کرد؛ مثلاً همکاری هماهنگ ۵۰۰ نفر یک روستای آباد و همکاری هماهنگ ۵۰۰ هزار نفر یک دولت‌شهر را تشکیل می‌داد. این هماهنگی‌های کارکردی، رفتاری و اخلاقی که بنیان تمدن‌های کهن را تشکیل می‌داد، مستلزم تعاملات اجتماعی موفق میان اعضای آن جامعه بود و این‌ تعامل اجتماعی هم در فضاهای همگانی اتفاق می‌افتاد، پس پریشراه نخواهد بود که فضاهای همگانی را گهواره مدنیت بدانیم.

بررسی نحوه توسعه اولین سکونتگاه‌های انسانی نشان می‌دهد که حتی در روند شکل‌گیری دهکده‌ها، فضاهای باز نسبتاً وسیعی میان کلبه‌ها شکل می‌گرفت که مالکیت همگانی داشت و نقش میدان عمومی دهکده را بازی می‌کرد. در این میدان‌ها انواع تعاملات مختلف اجتماعی و اقتصادی از بازارچه‌های محلی هفگی تا مراسم‌های آیینی و جشن‌ها برگزار می‌شد.

در روند شکل‌گیری شهرها نیز فضاهای همگانی در مقیاس‌های